

Research Article

The Relationship Between Mother's Attachment Dimensions and Child's Emotion Regulation: The Mediating Role of Irrational Beliefs and Mother's Reflective Function

Hoda Rashed¹, Seyed Amir Amin Yazdi^{2*} & Maryam Bordbar³

1. MA in Educational Psychology, Department of Counseling and Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Professor, Department of Counseling and Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: yazdi@um.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Counseling and Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

Aim: This study aimed to explore the relationship between dimensions of maternal attachment and child emotion regulation, as well as the mediating roles of irrational beliefs and maternal reflective function.

Method: This descriptive-correlational study included mothers of elementary school children in Mashhad during the 2019–2020 academic year. A sample of 308 mothers was selected using convenience sampling. Data collection utilized the Emotion Regulation Checklist (ERC), Parenting Reflective Function Questionnaire (PRFQ), Revised Adult Attachment Scale (RAAS), and Parents' Rational and Irrational Beliefs Scale (P-RIBS). Statistical analysis was conducted using SPSS 27 and AMOS 24.

Results: Results indicated that anxious and avoidant attachment, along with irrational beliefs, negatively impact child emotion regulation. Avoidant attachment showed a stronger direct effect compared to anxious attachment. Maternal reflective function positively influenced child emotion regulation. Indirectly, irrational beliefs mediated the negative impact of anxious attachment on emotion regulation. Similarly, avoidant attachment indirectly affected child emotion regulation through reflective function, with negative consequences.

Conclusion: Maternal anxious and avoidant attachment contribute to emotional dysregulation in children by fostering irrational cognitive beliefs and reducing reflective capacity. These findings highlight the importance of parent education and relationship development.

Key words: Attachment, Emotion Regulation, Irrational Beliefs, Reflective Function

Citation: Rashed, H., Amin Yazdi, A., & Bordbar, M. (2025). The Relationship Between Mother's Attachment Dimensions and Child's Emotion Regulation: The Mediating Role of Irrational Beliefs and Mother's Reflective Function. *Appl. Psychol* 19 (1):77-102.

رابطه بین ابعاد دل‌بستگی مادر و تنظیم هیجان کودک: نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی مادر

هدا راشد^۱، سیدامیر امین‌یزدی^{۲*} و مریم بردبار^۳

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۲. استاد گروه روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: yazdi@um.ac.ir
۳. استادیار گروه روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ابعاد دل‌بستگی مادر و تنظیم هیجان کودک و نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی مادر بود.

روش: این پژوهش بر حسب روش گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی و همبستگی بود. شرکت‌کنندگان این پژوهش را کلیه مادران کودکان دبستانی شهر مشهد، در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ تشکیل دادند. در نهایت ۳۰۸ مادر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش چک لیست تنظیم هیجانی (ERC)، پرسش‌نامه عملکرد تأملی والدینی (PRFQ)، پرسش‌نامه دل‌بستگی بزرگسال (RAAS) و پرسش‌نامه باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین (P-RIBS) مورد استفاده قرار گرفت. به منظور تحلیل‌های آماری از نرم‌افزار SPSS.27 و AMOS.24 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی و باورهای غیرمنطقی اثر مستقیم و منفی بر تنظیم هیجانی کودک دارند. دل‌بستگی اجتنابی در مقایسه با دل‌بستگی اضطرابی اثر مستقیم بیشتری بر تنظیم هیجانی کودک دارد. عملکرد تأملی نیز اثر مستقیم مثبت بر تنظیم هیجان کودک دارد. بررسی اثرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی بر تنظیم هیجان کودک به واسطه باورهای غیرمنطقی صورت گرفته و منفی است. اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اجتنابی بر تنظیم هیجان کودک نیز به واسطه عملکرد تأملی مادر و به‌صورت منفی است.

نتیجه‌گیری: دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی مادر با ایجاد بستری برای شکل‌گیری باورهای شناختی ناکارآمد و ظرفیت تأملی پایین در او می‌تواند منجر به بد تنظیمی هیجانی در کودک شود؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در آموزش والدین و روابط با فرزندان کاربرد داشته باشد.

کلید واژه‌ها: دل‌بستگی، تنظیم هیجان، باورهای غیرمنطقی، عملکرد تأملی

استناد به این مقاله: راشد، هدا، امین‌یزدی، سیدامیر، امین‌آبادی، و بردبار، مریم. (۱۴۰۴). رابطه بین ابعاد دل‌بستگی مادر و تنظیم هیجان کودک: نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی مادر. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۱۹ (۱): ۷۷-۱۰۲.

مقدمه

تنظیم هیجانی^۱ یک فرایند کلیدی برای همه جنبه‌های عملکرد انسان است و در شیوه‌های مقابله افراد با تجارب استرس‌زا و نیز تجربه شادی، سازگاری با وقایع تنیدگی زای زندگی و کنش وری موفق انسان‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند (پریوارا و باب، ۲۰۲۳). در اوایل کودکی، تحول تنظیم هیجان بی‌نهایت سریع است و پژوهش‌ها دریافته‌اند که صلاحیت‌های هیجانی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در طول دوره کودکی افزایش می‌یابد (کول، دنیز، اسمیت - سیمون و کوهن، ۲۰۰۹). افراد برای دستیابی به راهبردهای آگاهانه و ناخودآگاه به‌منظور افزایش، حفظ یا کاهش یک یا چند جزء از یک پاسخ هیجانی از آن استفاده می‌کنند (آنتونز، باسچه، مالون، ولف، دیرس و برند، ۲۰۲۳)؛ لذا در کودکان تنظیم هیجان نقش مهم و دوگانه‌ای دارد. کودکان با نارسایی در تنظیم هیجان در معرض خطر اختلال‌های برون نمود و درون نمود هستند (ایزنبرگ، اسپینارد و ایگام، ۲۰۱۰). مطالعه تحول تنظیم هیجان نشان داده است که این مقوله در دوران کودکی دارای اهمیتی حیاتی است؛ چراکه در طول این دوره، کودکان باید درکی از راهبردهای تنظیم هیجان داشته باشند و یاد بگیرند از آن برای مدیریت هیجان‌های خود استفاده کنند. در این میان اگر والدین تنظیم هیجانی داشته باشند منجر به ارتقای رشد هیجانی و اجتماعی کودک می‌شود (هاجل و پالی، ۲۰۲۰؛ هوفر، جندر، هاگ و راج، ۲۰۲۰). کودکان با تنظیم هیجانی ضعیف رفتارهای غیرقابل کنترل و پرخاشگرانه در تعاملات اجتماعی نشان می‌دهند و عمدتاً از مشکلات روان‌شناختی نظیر اضطراب و افسردگی رنج می‌برند (زاگاریا، وکا، کرولینی، تراسی، باکارو، بالسیو و همکاران، ۲۰۲۳)؛ بنابراین اهمیت فراگیری این مهارت از آنجاست که تجربه هیجان و ابراز آن از بنیادهای مهم بهزیستی و سلامت روان‌شناختی است و بر تمام جنبه‌های عملکرد فرد اثرگذار است؛ خصوصاً در تعاملات بین‌فردی، تعدیل هیجان‌ات نقش مهمی را ایفا می‌کند (شولتایز، مایس و رادرفورد، ۲۰۱۹) و در دوران کودکی در رشد و آسیب‌شناسی روانی کودک نقش دارد (لموس، والگا و سربیی، ۲۰۲۱).

در کنار اهمیت تنظیم هیجانی کودک، باورهای غیرمنطقی والدین^۲ مقوله‌ای است که می‌تواند بر واکنش‌های والدین نسبت به هیجان‌ات فرزندانشان تأثیر بسیاری داشته باشد (لیم، ۲۰۱۹). چراکه تنظیم هیجانی شامل چهار راهبرد ناسازگار (سرزنش خود، نشخوار فکری، باورهای غیرمنطقی و سرزنش دیگران) و پنج راهبرد انطباقی (پذیرش، تمرکز مجدد، برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد و در نظر گرفتن دیدگاه) می‌باشد (وانگ، فانگ، هانگ، ال‌وی، وانگ،

1. emotion regulation

2. parent irrational beliefs

یانگ و همکاران، ۲۰۲۱). از این رو می‌توان گفت بین تنظیم هیجانی کودک و راهبرد ناسازگار باورهای غیرمنطقی والد رابطه وجود دارد. منظور از باورهای غیرمنطقی، آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی هستند که افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود و جهان ایجاد می‌کنند و منجر به بروز مشکل می‌شود (توپکایا، سهین و مهمل، ۲۰۲۱). باورهای والدین شامل عقاید آن‌ها در مورد تربیت فرزند، درک نقش والدینی، خودکارآمدی، انتظارات و انتساب آن‌ها از انجام برخی الگوهای رفتاری فرزندان می‌باشد (سکیک، کایا و بوگا، ۲۰۱۹). باورها و نگرش‌های والدین نقش تعیین‌کننده‌ای در بهزیستی روان‌شناختی فرزندان ایفا می‌کند. به طوری که باورهای منطقی (انعطاف‌پذیری و نگاه غیرافراطی) زیربنای رفاه روانی هستند، درحالی که باورهای غیرمنطقی (غیر انعطافی و غیرمنطقی) زمینه‌ساز بیماری روانی است (مانسل و ترنر، ۲۰۲۲). راونت (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نشان داد که باورهای غیرمنطقی با مهارت‌های تنظیم هیجانی همبستگی منفی دارد؛ به طوری که هرچه فرد دارای باورهای غیرمنطقی قوی‌تری باشد، تنظیم هیجانی در او کاهش می‌یابد و در ارتباط با دیگران مشخص و نمایان است.

عملکرد تأملی والدینی^۱ نیز متغیر مهم دیگری در رفتارهای والدین است که به معنای توانایی تأمل در تجربیات ذهنی و در ذهن نگاه‌داشتن زندگی درونی فرزند می‌باشد و به والد کمک می‌کند تا تعاملات خود با فرزندش را مدیریت کند (بادود، روفناچ، دبان و پرود، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر منظور از عملکرد تأملی ظرفیت والدین یا مراقبان در تجسم کودک، به عنوان موجودی زنده است که توسط حالت‌های درونی و وضعیت روانی‌اش مانند احساسات، آرزوها و تمایلات برانگیخته می‌شود (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۰). این امر مستلزم آن است که والدین یا مراقبان ظرفیت دیدن تجارب درونی خودشان را نیز داشته باشند، و بدانند که چگونه وضعیت روانی آن‌ها در خلال ارتباط با کودک شکل گرفته است (فوناگی، لویتن و آلیسون، ۲۰۱۵)، چگونه منجر می‌شود در طول زمان و در ارتباط با کودک تغییر کند و در نهایت چگونه این وضعیت روانی، افکار، احساسات و رفتارهای والد یا مراقب را عوض می‌کند (ویسمارا، سچی و لوکارلی، ۲۰۲۱). اگر والدین از توانایی عملکرد تأملی بیشتری برخوردار باشند، تنیدگی والدینی کمتری را تجربه می‌کنند؛ چنین والدینی پاسخ‌دهی بیشتری در رابطه با نیازهای هیجانی فرزندشان دارند و کیفیت رابطه آن‌ها با کودک بهتر است. در واقع؛ عملکرد تأملی مادر نقش مهمی در رفتار بیرونی و هیجان‌پذیری کودک دارد و تحول روانی، هیجانی و سازش‌یافتگی بعدی کودک را تسهیل می‌کند. چرا که مادرائی که دارای مشکلاتی در تنظیم احساسات خود هستند و تمایل بیشتری به سرکوب احساساتشان دارند، در سطوح بیشتری از پیش‌ذهنی‌سازی^۲ (وضعیت عدم

^۱. parental reflective functioning

^۲. pre-mentalizing

ذهنی‌سازی) فعالیت می‌کنند (شولتایز، مایس و رادرفورد، ۲۰۱۹). توانایی ذهنی‌سازی به سطح هوشیاری آوردن تجربه‌های ذهنی و احساس انسجام از عاملیت روانی است که در یک بستر ایمن منجر به تقویت تنظیم هیجانات، بازدارندگی، رشد احساس خودمختاری و عاملیت می‌شود (کوپر و ردفرن، ۲۰۱۶). برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد تأملی با تنظیم هیجان رابطه معناداری دارد (بورلی، لیا، اسمیلی، کر، بوتیتا، هچ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین ذهنی‌سازی که به فهم مقاصد و نیت سایرین اشاره دارد؛ بخشی از دلبستگی و تحول انسان است. لذا ظرفیت والدین در تامل بر تجارب درونی کودک برای ایجاد یک دلبستگی ایمن اهمیت بسیاری دارد (اسلاد، ۲۰۰۵).

یکی دیگر از ابعاد روان‌شناختی والدین که ممکن است به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تنظیم هیجان کودکان تأثیر بگذارد دلبستگی^۱ مادر است (کوان، کوان، پروت و پروت، ۲۰۱۹). دلبستگی با رشد و پویایی پیوندهای عاطفی بین فردی سروکار دارد که به معنای ادراک و احساس درونی کودک از میزان در دسترس بودن و پیوستگی عاطفی به مراقبان به خصوص پدر و مادر است (چرنیاک، میکولینسر، شیور و گرنویست، ۲۰۲۱). در واقع تجربیات نامناسب دوران کودکی و به موجب آن سبک دلبستگی ناایمن مادران یک خطر بین‌نسلی مهم برای کودکان محسوب می‌شود، به طوری که انتقال تجارب نامناسب دوران کودکی مادران، می‌تواند خطری برای عملکرد رفتاری - اجتماعی فرزندانشان ایجاد کند. پس سبک دلبستگی افراد در شناخت شخصی، تنظیم هیجان، رفتارهای بین‌فردی و واکنش به ناراحتی نقش مهمی ایفا می‌کند (آردنقی، رامپولدی، بانی و استیپاروا، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها به نقش سبک دلبستگی ناایمن مادر به عنوان عاملی مهم در بروز مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کودکان اشاره دارند (کوک، راسین، پلموندان، تات و مدیگان، ۲۰۱۹).

باتوجه به مطالبی که گفته شد، اگرچه در پژوهش‌های مختلف ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دلبستگی و تنظیم هیجانی مورد بررسی قرار گرفته است (اینسینک، بورلی، نورمندن، اسلاد و فوناگی، ۲۰۱۹؛ چو، هارت، ایلز، و تان، ۲۰۱۷)، اما به متغیرهای میانجی باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی اشاره‌ای نشده است. در تبیین این ارتباط می‌توان گفت، بر اساس دیدگاه دلبستگی، تنظیم هیجان به عنوان یکی از مکانیسم‌های اثر دلبستگی فرض می‌شود. از این منظر هنگامی که مراقبین نوزاد، هیجانات او را تشخیص می‌دهند، و با تأمل، منشأ آن نیاز را منعکس می‌کنند، به تنظیم هیجانی او کمک می‌کنند (هوانگ، ۲۰۰۶). این در حالی است که پژوهش‌ها نشان دادند

1. attachment

که تنظیم مثبت هیجان‌ها می‌توانند تحت تأثیر متغیر میانجی باورهای غیرمنطقی قرار بگیرند و این باورها پیش‌بینی‌کننده سطح تنظیم هیجان افراد است (سانسکو، تکیوتا، کندی و سزنتاگوتی - تاتار، ۲۰۱۹؛ پرداتی، دیوید و مافی، ۲۰۲۰). در واقع در باورهای غیرمنطقی نوعی اجبار و الزام وجود دارد که موجب بروز اختلالات عاطفی یا بدرفتاری می‌شود. پس می‌تواند به شکل غیرمستقیم بر تنظیم هیجانی اثر گذارد. همچنین حضور مادری که در بستر یک رابطه ایمن، خود مأمونی امن برای آشفته‌گی‌های هیجانی فرزندش باشد و با برخورداری از ظرفیت تأملی مناسب، توانایی بازتاب و پذیرش حالات ذهنی و هیجانات فرزندش را داشته باشد، می‌تواند کودک را در جهت تحول فکری و اجتماعی سوق دهد. پس ظرفیت تأملی مادر نیز می‌تواند به شکل غیرمستقیم بر تنظیم هیجانی کودک اثر بگذارد. بنابراین باتوجه به اینکه تاکنون پژوهشی به نقش دلبستگی مادر بر تنظیم هیجان کودک از طریق باورهای شناختی و ظرفیت تأملی مادر نپرداخته است؛ سؤال پژوهش حاضر این است که آیا بین ابعاد دلبستگی مادر و تنظیم هیجان کودک و نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی مادر رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش بر حسب روش گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی و همبستگی بود. شرکت‌کنندگان این پژوهش را کلیه مادران کودکان دبستانی شهر مشهد، در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ تشکیل دادند. باتوجه به تداوم شیوع ویروس کرونا در بازه زمانی اجرای تحقیق و عدم امکان استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی در پژوهش، برای انتخاب نمونه از روش دردسترس استفاده شد که به صورت آنلاین انجام شد. نمونه پژوهش براساس ملاک حداقل حجم نمونه برای مدل یابی معادلات ساختاری (کلاین، ۲۰۱۱)، ۳۰۸ نفر انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش آگاهی و رضایت مادران برای شرکت در پژوهش، دارا بودن فرزند ۷ تا ۱۲ سال و تحصیلات دیپلم و بالاتر در مادران بود و جواب ندادن به بیشتر از ۱۰ درصد از سؤالات هر پرسش‌نامه ملاک خروج از پژوهش بود. پرسشنامه‌ها بدون نام بودند. در ابتدا به‌منظور شرکت آگاهانه از آن‌ها رضایت ورود به تحقیق دریافت گردید، سپس توضیحاتی در خصوص اهداف پژوهش ارائه شد و در خصوص محرمانگی به شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد. در ضمن قبل از شروع پژوهش، کلیه مراحل مربوط به دریافت کد اخلاق (IR.U.M.REC.1400.126) از دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد.

ابزارهای پژوهش

گردآوری داده‌ها با مقیاس‌های ذیل صورت گرفت:

۱. چک‌لیست تنظیم هیجانی (ERC)^۱: این مقیاس توسط شیلدز و سیچتی در سال ۱۹۹۵ تدوین شده است. این ابزار ۲۴ سؤال دارد که با مقیاس لیکرت (۱ = هرگز، ۲ = گاهی، ۳ = اغلب، ۴ = همیشه) درجه بندی می‌شود. ابزار از ۲ خرده مقیاس تنظیم هیجان^۲ و بی‌ثباتی / منفی‌گرایی^۳ تشکیل شده است. مقیاس تنظیم هیجان دارای ۸ گویه و خرده مقیاس بی‌ثباتی / منفی‌گرایی نیز شامل ۱۵ گویه است. در نمره‌گذاری این مقیاس، سوالات ناستواری هیجانی معکوس نمره-گذاری شدند. نمره کل از جمع دو خرده مقیاس تنظیم هیجانی و ناستواری هیجانی به دست می‌آید. کسب مجموع نمرات بالاتر، نشان دهنده ظرفیت برتر در مدیریت و تعدیل برانگیختگی هیجانی دارد، به گونه‌ای که فرد را در سطح بهینه از تعامل با محیط نگه می‌دارد. شیلدز و سیچتی (۱۹۹۵) ضرایب آلفا برای همسانی درونی کل آزمون و زیرمقیاس‌های تنظیم هیجانی و بی‌ثباتی / منفی‌گرایی را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۳ و ۰/۹۶ گزارش کردند. در نسخه ایرانی با اجرای این آزمون بر نمونه غیربالینی کودکان دبستانی، اعتبار عامل‌های پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روایی ابزار با استفاده از روش روایی صوری و سازه بدست آمد؛ طبق گزارش نتایج بدست آمده، اعتبار کل آزمون با ضریب آلفای ۰/۷۸، بعد بی‌ثباتی / منفی‌گرایی با ضریب آلفای ۰/۷۶ و بعد تنظیم هیجانی با ۰/۶۹ تأیید شده و از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. (شفیعی تبار، اکبری چرمهینی و مولایی یساولی، ۱۳۹۹). در این پژوهش نیز برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ کمک گرفته شد که این ضریب برای کل پرسش‌نامه ۰/۶۲ محاسبه شد که بیانگر پایایی این ابزار است.

۲. پرسش‌نامه عملکرد تأملی والدینی (PRFQ)^۴: این مقیاس توسط لویتن، مایس، نایسنس، فوناگی (۲۰۱۷)، عملکرد تأملی یا ذهنی‌سازی والدین را که توانایی رفتار با کودک به‌عنوان فاعلی روان‌شناختی است، ارزیابی می‌کند. این پرسش‌نامه حاوی ۱۸ گویه است که توسط مادر یا مراقب کودک قابل تکمیل است. هر گویه این ابزار به‌صورت یک عبارت در قالب طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافقم = ۷) بیان شده است. این مقیاس از سه عامل اصلی که هر کدام شش گویه را شامل می‌شوند تهیه شده است. این عوامل عبارت‌اند از: ۱- پیش ذهنی‌سازی که وضعیت عدم ذهنی‌سازی را ارزیابی می‌کند و نشان دهنده والدین دارای نقص

۱. emotion regulation checklist

۲. emotion regulation

۳. lability/negativity

۴. parental reflective functioning questionnaire

شدید در ظرفیت تأملی است؛ ۲- اطمینان در مورد حالات ذهنی که توانایی والدین را برای تشخیص ابهام در حالت های ذهنی ارزیابی می کند و ۳- علاقه و کنجکاوی در مورد حالات ذهنی که نشان دهنده کنجکاوی فعال در حالات ذهنی کودک است. در پژوهش حاضر از نمره کل پرسش نامه استفاده شد (فتیحی، امین یزدی، کارشکی و آهنگیان، ۲۰۲۰؛ دیرو، وانگ، رمپل، فراسر، ۲۰۱۹). کسب نمرات بالاتر در این مقیاس، نشان دهنده توانایی تأملی بالاتری برای درک حالات ذهنی کودک می باشد و بالعکس. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش لویتن و همکاران (۲۰۱۷) برای کل پرسش نامه ۰/۶۴ به دست آمده است. در پژوهش فتیحی و همکاران (۲۰۲۰) روایی سازه این پرسش نامه به روش تحلیل عاملی با استفاده از ضریب KMO ۰/۸۵ برآورد شده است. ضریب پایایی مقیاس نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۶۰ گزارش شده است. در این پژوهش نیز، میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۶ محاسبه شد.

۳. پرسش نامه دلبستگی بزرگسال (RAAS)^۱: این پرسش نامه که توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) طراحی شده دارای ۱۸ گویه است که در نسخه تجدیدنظر شده آن دارای دو خرده مقیاس اضطراب (۶ گویه) و اجتناب (۱۲ گویه) می باشد. طیف لیکرت این پرسش نامه از ۰ کاملاً مخالفم تا ۴ کاملاً موافقم می باشد که بالاترین نمره در خرده مقیاس اضطراب ۲۴ و در خرده مقیاس اجتناب ۴۸ می باشد. سوالات ۱۱، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۱۵ مربوط به بعد اضطراب و بقیه مربوط به بعد اجتناب است. کولینز و رید (۱۹۹۰) میزان آلفای کرونباخ کل پرسش نامه را ۰/۸۵ گزارش کردند. روایی محتوایی مقیاس با سنجش ضریب های همبستگی بین نمره های ۱۵ نفر از متخصصان روان شناسی مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی روایی نسخه فارسی پرسش نامه به روش تحلیل عاملی تأییدی، مقادیر شاخص های برازش نشان دهنده روایی مطلوب است (پاکدامن، ۱۳۷۹)؛ همچنین قابلیت اعتماد پرسش نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل نسخه فارسی توسط پاکدامن ۰/۹۵ گزارش شده است که نشان دهنده اعتبار آزمون است. در پژوهش حاضر نیز، میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل اجتنابی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۸۰ محاسبه شد.

۴. پرسش نامه باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین (P-RIBS)^۲: این مقیاس اولین پرسش نامه ارزیابی باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین در حوزه فرزندپروری است که توسط گاویتا، دی جیوسپه، دیوید و دلوچیو (۲۰۱۱) بر اساس نظریه ایس ساخته شد. باورهای

1. revised adult attachment scale

2. parent rational and irrational beliefs scale

غیرمنطقی نیز مجموعاً با ۱۰ گویه است. باورهای منطقی نیز شامل ۱۰ سؤال است که توسط مقیاس ۵ نمره‌ای طیف لیکرت (۱ = کاملاً مخالف و ۵ = کاملاً موافق) سنجیده می‌شود. کسب نمرات پایین در هر کدام از این خرده‌مقیاس‌ها نشان از دارا بودن سطح پایینی از آن باور و کسب نمرات بالا در هر کدام نشان از سطح بالا در آن باور می‌باشد. نمره کل از جمع دو خرده‌مقیاس نام برده شده به دست می‌آید. برای سنجش باورهای غیرمنطقی، سؤالات خرده‌مقیاس باورهای منطقی، نمره‌گذاری معکوس می‌شود. ۴ سؤال (۶،۸،۱۸،۲۰) هم سؤالات دروغ‌سنج و کنترل می‌باشد که در نمره‌گذاری محاسبه نمی‌گردد. گاویتا و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود روایی و پایایی این ابزار را تأیید کردند؛ در بررسی روایی، آزمون دارای روایی همگرا است؛ چرا که همبستگی معناداری بین نمره کل مقیاس باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین با مقیاس‌های نگرش‌ها و عقاید عمومی و مقیاس استرس والدینی وجود دارد. همچنین در بررسی پایایی پرسش‌نامه، ضریب آلفای کرونباخ را برای باورهای غیرمنطقی، ۰/۷۸ گزارش کرده که مقادیر مطلوبی است. نظر به اینکه پرسش‌نامه باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین گاویتا و همکاران (۲۰۱۱) پیش‌از این در جمعیت ایرانی اجرا نشده است، در پژوهش راشد (۱۴۰۰)، برای بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و شاخص‌های برازش مدل نشان از تأیید روایی ابزار داشتند. جهت بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۶۸، به‌دست آمد و حاکی از همسانی دورنی پرسش‌نامه بود.

شیوه اجرا

پس از اینکه کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه فردوسی مشهد دریافت گردید، به جهت شیوع ویروس کرونا و عدم دسترسی حضوری به شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه‌های ذکر شده از طریق سامانه پرس لاین به‌صورت پرسش‌نامه الکترونیکی تهیه شدند و مادران کودکان دبستانی در شهر مشهد که داوطلب شرکت در پژوهش بودند، پرسش‌نامه‌های پژوهش که از طریق فضای مجازی (گروه‌های دانش‌آموزی مدارس شهر مشهد در نرم‌افزار تلگرام، واتس‌آپ و شاد) در اختیارشان قرار گرفته بود را تکمیل کردند. برای سهولت دسترسی به مادران، از معلمان مقطع ابتدایی درخواست شد تا لینک پژوهش را در اختیار مادرانی قرار دهند که داوطلب شرکت در پژوهش هستند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش توسط مادران، از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل مسیر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. تحلیل‌های آماری با نرم‌افزار SPSS.27 و AMOS.24 انجام شد.

یافته‌ها

توصیف جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین و انحراف معیار سنی مادران ۳۶/۱۷ و ۵/۳۱ با دامنه ۲۲ تا ۵۲ سال بود. تعداد ۱۶۳ نفر (۵۲/۹ درصد) از مادران فرزند دختر و ۱۴۵ نفر (۴۷/۱ درصد) فرزند پسر داشتند. میانگین و انحراف معیار سن فرزندان ۸/۸۵ و ۱/۶۴ با دامنه ۷ تا ۱۲ سال بود. ۶۰/۷ درصد از مادران تحصیلات دانشگاهی (۴۷/۴ درصد تحصیلات کارشناسی و ۱۳/۳ درصد تحصیلات تکمیلی) و ۳۹/۳ درصد مادران تحصیلات دیپلم داشتند؛ ۶۸/۵ درصد از مادران غیر شاغل و ۳۱/۵ درصد مادران شاغل بودند.

در ابتدا به غربالگری داده‌ها پرداخته شد و پرت‌های تک‌متغیره با نمودار جعبه‌ای و پرت‌های چندمتغیره با آماره ماهالانوبیس بررسی شدند. نتایج نشان‌دهنده آن بود که داده پرتی وجود ندارد. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی اضطرابی	۹/۴۳	۵/۴۲	۰/۱۰	-۰/۸۰
دلبستگی اجتنابی	۲۰/۴۴	۵/۵۰	-۰/۰۱	-۰/۳۸
عملکرد تأملی مادر	۸۳/۶۸	۱۰/۵۷	-۰/۰۷	-۰/۲۷
باورهای غیرمنطقی	۶۵/۴۵	۸/۵۱	-۰/۰۱	-۰/۱۰
تنظیم هیجان کودک	۶۸/۹۴	۶/۳۳	-۰/۰۵	-۰/۳۵

ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱. دلبستگی اضطرابی	-			
۲. دلبستگی اجتنابی	۰/۳۷**	-		
۳. عملکرد تأملی مادر	۰/۰۰۴	-۰/۱۰	-	
۴. باورهای غیرمنطقی	۰/۱۸**	۰/۱۴*	۰/۱۳*	-
۵. تنظیم هیجان کودک	-۰/۲۸**	-۰/۳۰**	۰/۱۹**	-۰/۳۲**

* $P \leq 0.01$

$P \leq 0.05$

نتایج درج شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با عملکرد تأملی مادر رابطه معناداری ندارند ($P > 0.05$)، اما با باورهای غیرمنطقی رابطه مثبت و با تنظیم هیجان کودک رابطه منفی دارند ($P \leq 0.05$). میان عملکرد تأملی مادر با تنظیم هیجان کودک رابطه

مثبت وجود داشت ($P \leq 0/01$). رابطه باورهای غیرمنطقی با تنظیم هیجان کودک نیز منفی و معنادار بود ($P \leq 0/01$).

در بررسی مفروضات تحلیل مسیر، جدول ۱ نشان داد که شاخص‌های کجی و کشیدگی در دامنه ± 1 قرار داشته و توزیع متغیرها نرمال است. شاخص کشیدگی چندمتغیره نسبی^۱ نیز برابر با $-1/50$ بود. قدرمطلق مقادیر کمتر از ۳ این شاخص نشان دهنده نرمال بودن چندمتغیره هستند. در بررسی عدم همخطی چندگانه^۲ عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای پیش بین از $0/85$ تا $0/97$ در تغییر بود. شاخص تحمل^۳ نیز بین $1/03$ تا $1/18$ بود. هر دوی این شاخص‌ها نشان داد که بین متغیرهای پیش بین هم خطی چندگانه وجود ندارد. در بررسی استقلال خطاها ضریب آزمون دوربین واتسون^۴ برابر با $1/88$ بود و در دامنه مطلوب ($1/5$ تا $2/5$) قرار داشت. پس از تحقق مفروضات شامل یک دل‌بستگی اضطرابی مادر با نقش واسطه‌ای عملکرد تأملی مادر پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان کودک است، دو دل‌بستگی اجتنابی مادر با نقش واسطه‌ای عملکرد تأملی مادر پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان کودک است، سه دل‌بستگی اضطرابی مادر با نقش واسطه‌ای مادر باورهای غیرمنطقی مادر پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان کودک است و چهار دل‌بستگی اجتنابی مادر با نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی مادر پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان کودک است؛ برآورد مدل با روش بیشینه درست‌نمایی^۵ انجام شد. بررسی ضرایب مسیر در تحلیل اولیه نشان داد که مسیر مستقیم دل‌بستگی اضطرابی به عملکرد تأملی مادر و دل‌بستگی اجتنابی به باورهای غیرمنطقی غیرمعنادار هستند ($P > 0/05$). شاخص‌های برازش مدل اولیه (جدول ۳) در سطح مطلوبی قرار نداشتند. علاوه بر آن شاخص‌های اصلاح، برقراری کوواریانس میان خطاهای عملکرد تأملی مادر و باورهای غیرمنطقی را پیشنهاد می‌کرد. براین اساس به حذف مسیرهای غیرمعنادار و برقراری کوواریانس خطاها پرداخته شد. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همسانی درونی

مدل	χ^2	χ^2/df	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMSEA
اولیه	۵/۹۴	۵/۹۴	۰/۹۹	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۱۳
اصلاح شده	۲/۵۷	۱/۲۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۰۳
ملاک پذیرش	-	<۳	>۰/۹۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	<۰/۰۵

۱. relative multivariate kurtosis

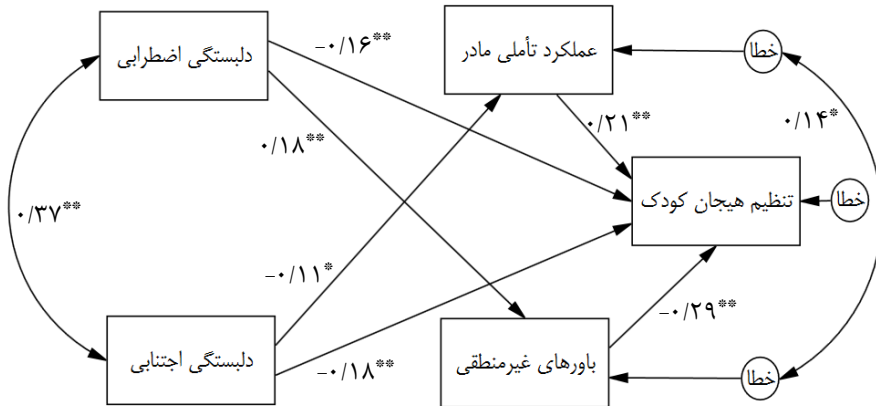
۲. multicollinearity

۳. tolerance

۴. durbin - watson

۵. maximum likelihood

جدول ۳ نشان از مطلوب بودن برازش مدل دارد. ضرایب استاندارد شده مدل اصلاح شده پیش بینی تنظیم هیجان کودک در شکل ۱ و برآورد روابط مستقیم، غیرمستقیم و کل با روش بوت استرپ در جدول ۴ آمده است.



** $P < .01$ * $P < .05$

شکل ۱. الگوی آزمون شده همراه با ضرایب استاندارد شده مسیرها

جدول ۴. ضرایب اثرات مستقیم و غیرمستقیم

اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		مسیرها
سطح معناداری	ضریب مسیر	سطح معناداری	ضریب مسیر	
-	-	0/004	0/18	دلبستگی اضطرابی ← باورهای غیرمنطقی
0/002	-0/05	0/003	-0/16	دلبستگی اضطرابی ← باورهای غیرمنطقی ← تنظیم هیجان کودک
-	-	0/05	-0/11	دلبستگی اجتنابی ← عملکرد تأملی مادر
0/03	-0/03	0/001	-0/18	دلبستگی اجتنابی ← عملکرد تأملی مادر ← تنظیم هیجان کودک
-	-	0/001	0/21	عملکرد تأملی مادر ← تنظیم هیجان کودک
-	-	0/001	-0/29	باورهای غیرمنطقی ← تنظیم هیجان کودک

بررسی ضرایب مسیر در شکل ۱ و جدول ۴ نشان می‌دهد که دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و باورهای غیرمنطقی اثر مستقیم و منفی بر تنظیم هیجانی کودک دارند. دلبستگی اجتنابی در مقایسه با دلبستگی اضطرابی اثر مستقیم بیشتری بر تنظیم هیجانی کودک دارد. عملکرد تأملی نیز اثر مستقیم مثبت بر تنظیم هیجان کودک دارد. بررسی اثرات غیرمستقیم در جدول ۴ نیز

نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی بر تنظیم هیجان کودک به واسطه باورهای غیرمنطقی صورت گرفته و منفی است. اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اجتنابی بر تنظیم هیجان کودک نیز به واسطه عملکرد تأملی مادر و به صورت منفی است. میزان واریانس تبیین شده تنظیم هیجان کودک بر حسب دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی، عملکرد تأملی مادر و باورهای غیرمنطقی برابر با ۰/۲۲ بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ابعاد دل‌بستگی مادر و تنظیم هیجان کودک و نقش واسطه‌ای باورهای غیرمنطقی و عملکرد تأملی مادر بود. نتایج نشان داد دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی و باورهای غیرمنطقی اثر مستقیم و منفی بر تنظیم هیجانی کودک دارند. دل‌بستگی اجتنابی در مقایسه با دل‌بستگی اضطرابی اثر مستقیم بیشتری بر تنظیم هیجانی کودک دارد. عملکرد تأملی نیز اثر مستقیم مثبت بر تنظیم هیجان کودک دارد. بررسی اثرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی بر تنظیم هیجان کودک به واسطه باورهای غیرمنطقی صورت گرفته و منفی است. اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اجتنابی بر تنظیم هیجان کودک نیز به واسطه عملکرد تأملی مادر و به صورت منفی است.

براین اساس نتایج یافته دل‌بستگی اضطرابی اثر مستقیم مثبت بر باورهای غیرمنطقی دارد با پژوهش کوک، راسین، پلموندان، تات و مدیگان (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، بر اساس نظریه دل‌بستگی افرادی که دارای دل‌بستگی نایمن اضطرابی هستند، عمدتاً دیدگاه منفی و اضطرابی به دنیا دارند و باورهای غیرمنطقی در آنان شکل می‌گیرد، در نتیجه نمی‌توانند به شیوه‌ای مؤثر از والدین خود برای کمک به نظم‌دادن هیجانات استفاده کنند و پیوند والد - کودک زمینه غیرقابل‌جایگزینی را برای تحول هیجانی کودکان فراهم نمی‌کنند. والدین دارای دل‌بستگی اضطرابی و باورهای غیرمنطقی پس از تدوین استانداردهای بالا، عملکرد خود را در راه رسیدن به آن استانداردها به طور مکرر و سخت‌گیرانه مورد ارزیابی قرار می‌دهند و همین امر آنان را از والدین سالم و کارآمد جدا می‌کند (ناتاکی، مارتین و مئو، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر، نتایج نشان داد دل‌بستگی اضطرابی اثر غیرمستقیم منفی بر تنظیم هیجانی کودک به واسطه باورهای غیرمنطقی دارد. پژوهش‌ها نشان دادند که سبک دل‌بستگی والدین بر کیفیت رابطه والد و فرزند مؤثر است و شکل‌گیری دل‌بستگی نایمن در کودکان تنظیم هیجانی منفی را رقم می‌زند (چو، هارت، ایلز، و تان، ۲۰۱۷). در تبیین این یافته می‌توان گفت، شکل‌گیری الگوهای فعال درونی در ارتباط با منابع دل‌بستگی به جهت‌دهی عقاید، انتظارات و نگرش‌های فرد

نسبت به خود و دیگران منجر شده و این باورها اگر غیرمنطقی باشند، به شکل‌گیری تنظیم عواطف به صورت منفی در روابط می‌انجامد؛ بنابراین نقش تعامل‌های مادر - فرزند در توانایی تنظیم هیجان‌ات کودکان آشکار شده و بخشی از میزان داشتن یا نداشتن عواطف مناسب و استفاده صحیح از هیجان‌ات در کودکان، از الگوپذیری‌هایی است که از مادران در خانواده نشأت می‌گیرد. یافته دیگر این پژوهش اثر مستقیم منفی دلبستگی اجتنابی بر عملکرد تأملی بود. در پژوهش کاولینا، پازاگلی، قیگلیری و مازسچی (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین رفتارهای والدین و سبک دلبستگی و عملکرد تأملی والدین و کودکان پرداختند که نتایج آن همسو با پژوهش حاضر است. به لحاظ نظری عملکرد تأملی ظرفیتی است که در بستر یک رابطه دلبسته ایمن شکل می‌گیرد و بر خورداری از کیفیت بالای ذهنی‌سازی مادر در بستر روابط اولیه دلبستگی او محقق می‌شود. همان‌طور که اسلاد (۲۰۰۵) بیان کردند، توانایی پایین در عملکرد تأملی والدینی، با الگوی دلبسته مقاوم، متعارض و ناسامان در ارتباط است و این عوامل در مادر می‌توانند جزء عوامل خطر برای ابتلای کودک به اختلالات روان‌پزشکی باشند.

دلبستگی اجتنابی اثر غیرمستقیم منفی بر تنظیم هیجانی کودک به واسطه‌ی عملکرد تأملی یافته دیگر پژوهش حاضر بود. نتایج پژوهش اینسینک، بوری، نورمندین، اسلاد و فوناگی (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که انتقال بین‌نسلی وضعیت دلبستگی و الگوهای تنظیم هیجان با واسطه‌گری کیفیت عملکرد تأملی اتفاق می‌افتد. در حقیقت توانایی تنظیم هیجان و تعدیل حالت‌های عاطفی فرد با نظریه ذهنی‌سازی مرتبط است. تصور بر این است که عملکرد تأملی والدین در ذهنی‌سازی کودک نقش دارد و با تأثیر بر کودک، والدین می‌توانند پایه‌ای برای دلبستگی، تنظیم مقررات و خودکنترلی در کودکان ایجاد کنند (دروگر و همکاران، ۱۳۹۸).

عملکرد تأملی اثر مستقیم مثبت بر تنظیم هیجانی کودک داشت. این یافته با پژوهش شولتایز، مایس و رادرفورد (۲۰۱۹) و بوری و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. برخی دیگر از پژوهشگران نشان دادند عملکرد تأملی والدین، به‌عنوان عاملی محافظتی تجربیات منفی کودکان را کاهش و سازگاری اجتماعی را تسهیل می‌کند (رویژ، تیلور و کابین، ۲۰۲۱). در تبیین این یافته می‌توان گفت، مادرانی که از ظرفیت عملکرد تأملی بهتری برخوردار باشند، باورهای تربیتی بیشتری در حیطه فرزندپروری داشته و فرزندان آن‌ها از درک احساسی پیشرفته‌تری برخوردار می‌شوند. داشتن باورهای تربیتی و نحوه تفکر مثبت مادران در مورد کودک، به آن‌ها اجازه می‌دهد نسبت به حالات درونی فرزند خود علاقه‌مند شده و حالات درونی و احساسی فرزند خود را بهتر درک کنند. این موضوع با تأثیر بر نحوه تعاملات مادر و کودک، به درک فرزندان از احساسات نیز کمک کرده و آن‌ها را نسبت به تنظیم هیجان‌ات توانمند می‌کند.

در نهایت باورهای غیرمنطقی اثر مستقیم منفی بر تنظیم هیجانی کودک داشت. این فرضیه با یافته‌های پژوهشی سانسکو و همکاران (۲۰۱۹) و پرداتی، دیوید و مافی (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت، مادرانی که تفکرات غیرمنطقی در حیطه فرزندپروری دارند، در رفتار با کودکشان بر اجبار، الزام، وظیفه و مطلق‌گرایی (به شکل افراطی) تأکید می‌کنند؛ آن‌ها با کمال‌گرایی و داشتن انتظارات بالا از خود و فرزندشان به رابطه سالم با کودک لطمه می‌زنند، همچنین با بایداندیشی‌هایی که برای کودک متصور می‌شوند، فلسفه‌های خودآشفته‌ساز را در او شکل می‌دهند. از طرفی، رفتارهای ناهمخوان کودک با انتظاراتشان را فاجعه تلقی کرده و توانایی تحمل چنین ناکامی‌هایی را در تربیت فرزندشان ندارند؛ بنابراین چنین مادرانی به واسطه ارزیابی‌های خود هیجان‌های منفی بیشتری را نسبت به هیجان‌های مثبت تجربه کرده و در مدیریت و تعدیل عواطف توانایی کمتری دارند.

این پژوهش نیز محدودیت‌هایی را به همراه داشت، نخست آنکه به جهت محدودیت مراکز دبستانی به دلیل شیوع ویروس کرونا در بازه زمانی اجرای تحقیق، امکان انجام نمونه‌گیری تصادفی ممکن نبود که به‌ناچار از نمونه‌گیری دردسترس استفاده شد. دوم آنکه به جهت ماهیت خود گزارش‌دهی ابزارهای پژوهش، احتمال اینکه پاسخ‌دهی به سؤالات از سوی شرکت‌کنندگان با دقت و صادقانه همراه با حداقل خطا انجام شود، کاهش یافت. سوم آنکه داده‌های پژوهش فاقد هرگونه اطلاعات حاصل از گزارش پدران و محدود به ویژگی‌های روان‌شناختی مادران بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از سایر روش‌های ارزیابی مانند مصاحبه در کنار پرسش‌نامه و روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود و در نهایت بررسی جامعه پدران نیز موردتوجه قرار گیرد. همچنین با توجه به اهمیت نقش مادران در شکل‌گیری و پرورش مهارت تنظیم هیجانی کودکان، و نقشی که دلبستگی مادر در شکل‌گیری باورهای شناختی و ظرفیت تأملی او ایفا می‌کند که منجر به مهارت تنظیم هیجان در کودک می‌شود؛ توصیه می‌شود کارگاه‌های آموزشی جهت آگاه‌سازی مادران با این موضوعات و تعاریف و چگونگی بهره‌مندی از راهبردهای سازگار، دلایل اهمیت و عوامل مؤثر بر آن و همچنین آسیب‌های مرتبط با نداشتن این مهارت حیاتی در کودکان طراحی و اجرا شود.

موازین اخلاقی

این پژوهش با رعایت کلیه اصول اخلاقی پژوهش انجام شده و دارای کد اخلاق با شناسه (IR.UM.REC.1400.126) از دانشگاه فردوسی مشهد است. در این پژوهش به تمامی شرکت‌کنندگان در رابطه با چگونگی انجام پژوهش، روش انتشار اطلاعات و اهداف و

دستورالعمل‌های پژوهش اطلاعات کافی داده شد. در ضمن در کلیه مراحل کار، با احترام به اصل رازداری، داده‌ها به صورت ناشناس و محرمانه جمع‌آوری شد.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول در گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد (کد ۵۵۶۰۸ و مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷) برگرفته شده است. نویسنده اول بیشترین سهم را در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها داشته است. نویسنده دوم نقش ناظر و همراهی کننده در جمع‌آوری و اصلاح مطالب را داشته و نویسنده سوم به‌عنوان مشاور در تحلیل داده‌ها و نگارش کمک کرده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این پژوهش تعارض منافع و حامی مالی نداشته است.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از کلیه مادرانی که در پژوهش حاضر شرکت کردند، قدردانی می‌شود.

References

- Antons, S., Büsche, K., Mallon, L., Wolf, O.T., Diers, M., & Brand, M. (2023). Stress susceptibility, affective responses toward acute stressors and emotion regulation strategies in the context of problematic pornography use. *Sex Health Compulsivity*, 1–21. [[link](#)]
- Ardenghi, S., Rampoldi, G., Bani, M., & Strepparava, M. G. (2020). Attachment styles as predictors of self-reported empathy in medical students during pre-clinical years. *Patient education and counseling*, 103(5), 965-970. [[link](#)]
- Bateman, A., & Fonagy, P. (2010). Mentalization based treatment for borderline personality disorder. *World Psychiatry*, 9, 11-15. . [[link](#)]
- Badoud, D., Rüfenacht, E., Debbané, M., & Perroud, N. (2018). Mentalization-based treatment for adults with attention-deficit/hyperactivity disorder: a pilot study. *Research in Psychotherapy: Psychopathology, Process, and Outcome*, 21(3), 317-324. [[link](#)]
- Borelli, J. L., Lai, J., Smiley, P. A., Kerr, M. L., Buttitta, K., Hecht, H. K., & Rasmussen, H. F. (2021). Higher maternal reflective functioning is

- associated with toddlers' adaptive emotion regulation. *Infant Mental Health Journal*, 42(4), 473-487. [[link](#)]
- Cavallina, C., Pazzagli, C., Ghiglieri, V., & Mazzeschi, C. (2015). Attachment and parental reflective functioning features in ADHD: enhancing the knowledge on parenting characteristics. *Frontiers in psychology*, 6, 1313. [[link](#)]
- Căzânescu, D.G., Tecuta, L., Căndea, D.M. et al. (2019). Savoring as Mediator Between Irrational Beliefs, Depression, and Joy. *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 37, 84-95. [[link](#)]
- Cekic, A., Kaya, I., & Buga, A. (2019). Examining the relationship between parents irrational beliefs and life satisfaction. *Kastamonu Education Journal*, 27(2), 567-576. [[link](#)]
- Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40, 126-130. [[link](#)]
- Chow, C. M., Hart, E., Ellis, L., & Tan, C. C. (2017). Interdependence of attachment styles and relationship quality in parent-adolescent dyads. *Journal of Adolescence*, 61, 77-86. [[link](#)]
- Cole, P.M.; T.A. Dennis, K.E.; Smith-Simon, & L.H. Cohen. (2009). Preschoolers' emotion regulation strategy understanding: Relations with emotion socialization and child selfregulation. *Social Development*. 18 (2), 324352. [[link](#)]
- Cooke, J. E., Racine, N., Plamondon, A., Tough, S., & Madigan, S. (2019). Maternal adverse childhood experiences, attachment style, and mental health: pathways of transmission to child behavior problems. *Child abuse & neglect*, 93, 27-37. [[link](#)]
- Cooper, A., & Redfern, S. (2016). *Reflective parenting: A guide to understanding what's going on in your child's mind*. Abingdon, UK: Routledge. [[link](#)]
- Cowan, P. A., Cowan, C. P., Pruett, M. K., & Pruett, K. (2019). Fathers' and mothers' attachment styles, couple conflict, parenting quality, and children's behavior problems: An intervention test of mediation. *Attachment & human development*, 21(5), 532-550. [[link](#)]
- De Roo, M., Wong, G., Rempel, G. R., & Fraser, S. N. (2019). Advancing optimal development in children: Examining the construct validity of a parent reflective functioning questionnaire. *JMIR pediatrics and parenting*, 2(1), e11561. [[link](#)]
- Drodgar, A., Fathi Ashtiani, A., & Ashrafi, A. (2020). The mediating role of mentalization in the relationship between attachment and emotional dysregulation with social anxiety. *Evolutionary Psychology: Iranian Psychologists*, 17(66), 143-154. [[link](#)]

- Ensink, K., Borelli, J. L., Roy, J., Normandin, L., Slade, A., & Fonagy, P. (2019). Costs of not getting to know you: Lower levels of parental reflective functioning confer risk for maternal insensitivity and insecure infant attachment. *Infancy*, 24(2), 210-227. [[link](#)]
- Eisenberg, N.; Spinrad, TL. & Eggum, ND. (2010). Emotion-related self-regulation and its relation to children's maladjustment. *Annu Rev Clin Psychol* 6(27), 495-525. [[link](#)]
- Fathi, M., AminYazdi, S. A., Kareshki, H., & Ahanchian, H. (2020). Investigating psychometric properties of Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ). *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 22(5), 301-310. [[link](#)]
- Fonagy, P., Luyten, P., & Allison, E. (2015). Epistemic petrification and the restoration of epistemic trust: A new conceptualization of borderline personality disorder and its psychosocial treatment. *Journal of Personality Disorders*, 29, 575-609. [[link](#)]
- Gavita, O. A., David, D., DiGiuseppe, R., & DelVecchio, T. (2011). The development and validation of the Parent Rational and Irrational Beliefs Scale. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 2305-2311. [[link](#)]
- Hajal, N. J., & Paley, B. (2020). Parental emotion and emotion regulation: A critical target of study for research and intervention to promote child emotion socialization. *Developmental Psychology*, 56(3), 403-417. [[link](#)]
- Höfer, S., Gander, F., Höge, T., & Ruch, W. (2020). Character strengths, well-being, and health in educational and vocational settings. *Applied research in quality of life*, 15(2), 301-306. [[link](#)]
- Hwang, J. (2006). *A processing model of emotion regulation: Insights from the attachment system*. Dissertation, Georgia State University. [[link](#)]
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York, NY: Guilford Press. [[link](#)]
- Lemos, V., Valega, M., & Serppe, M. (2021). Cognitive Emotional Regulation Questionnaire: a Factorial Validation Study in Spanish for Children (CERQ-k). *International journal of psychological research*, 14(2), 61-81. [[link](#)]
- Liem, A. (2019). Beliefs, attitudes towards, and experiences of using complementary and alternative medicine: A qualitative study of clinical psychologists. *European Journal of Integrative Medicine*, 26, 1-10. [[link](#)]
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PloS one*, 12(5). [[link](#)]
- Mansell, P.C., Turner, M.J. (2022). Testing the REBT-I model in athletes: Investigating the role of self-confidence between irrational beliefs and psychological distress. *Psychology of Sport and Exercise*, 63, 102284. [[link](#)]

- Nanaki, J.C., Martin, J.T., & Matthew, J.S. (2019). Investigating Irrational Beliefs, Cognitive Appraisals, Challenge and Threat, and Affective States in Golfers Approaching Competitive Situations. *Frontiers in Psychology*, 10, 2295-2305. [[link](#)]
- Pakdaman, Sh. (2000). *Examining the relationship between attachment and sociability in adolescence*. PhD thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran. [[link](#)]
- Predatu, R., David, D. O., & Maffei, A. (2020). The effects of irrational, rational, and acceptance beliefs about emotions on the emotional response and perceived control of emotions. *Personality and Individual Differences*, 155, 109712. [[link](#)]
- Privara, M., & Bob, P. (2023). Pornography Consumption and Cognitive-Affective Distress. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 211(8), 641-646. [[link](#)]
- Schultheis, A. M., Mayes, L. C., & Rutherford, H. J. (2019). Associations between emotion regulation and parental reflective functioning. *Journal of child and family studies*, 28(4), 1094-1104. [[link](#)]
- Shafietabar, M., Akbari Chermahini, S., & Molaei Yasavoli, M. (2020). Factorial Structure and Psychometric Properties of the Emotion Regulation Checklist – Parent Form. *J Child Ment Health*, 7 (3), 80-95. [[link](#)]
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1995). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *J Clin Child Psychol*, 27(4): 381-95 [[link](#)]
- Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & human development*, 7(3), 269-281. [[link](#)]
- Ravneet, K. (2020). Emotional Competence and Self-esteem among adolescent students: role of irrational beliefs. *Voice of Research*, 4(8), 1-33. [[link](#)]
- Ruiz, Y., Taylor, Z. E., & Cavin, R. (2021). Parent-Adolescent Communication as a Protective Factor against Adolescent Alcohol and Tobacco Use: Reported Narratives From Youth From Latinx Farmworker Families. *Journal of Adolescent Research*, 36(4), 315-341. [[link](#)]
- Topkaya, N., Şahin, E., & Mehel, F. (2021). Relationship-specific irrational beliefs and relationship satisfaction in intimate relationships. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*. Advance online publication. [[link](#)]
- Vismara, L., Sechi, C., & Lucarelli, L. (2021). Reflective function in first-time mothers and fathers: Association with infant temperament and parenting stress. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 5(1), 100-147. [[link](#)]

- Wang, Q. Q., Fang, Y. Y., Huang, H. L., Lv, W. J., Wang, X. X., Yang, T. T., Yuan, J. M., Gao, Y., Qian, R. L., & Zhang, Y. H. (2021). Anxiety, depression and cognitive emotion regulation strategies in Chinese nurses during the COVID-19 outbreak. *Journal of nursing management*, 29(5), 1263–1274. [[link](#)]
- Zagaria, A., Vacca, M., Cerolini, S., Terrasi, M., Bacaro, V., Ballesio, A., Baglioni, C., Spinhoven, P., & Lombardo, C. (2023). Differential Associations of Cognitive Emotion Regulation Strategies with Depression, Anxiety, and Insomnia in Adolescence and Early Adulthood. *International journal of environmental research and public health*, 20(10), 5857. [[link](#)]

پیوست

پرسش‌نامه باورهای منطقی و غیرمنطقی والدین

والدین گرامی؛ در این بخش عبارتهایی مربوط به شما آمده است، لطفاً تخمین بزنید عبارتها تا چه حد بیانگر افکار شما در شرایطی است که کودکان یک رفتار چالش برانگیز (مانند عصبانیت، پرخاشگری و غیره) دارد. برای هر عبارت پنج پاسخ وجود دارد، لطفاً پاسخ موردنظرتان را در یکی از خانه‌های زیر علامت بزنید.

سؤالات	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	نظری ندارم	مخالفم	موافقم
۱ فرزندانم باید به طور کامل به من احترام بگذارد و از من اطاعت کند.					
۲ فکر می‌کنم نافرمانی کودکم از من وحشتناک است.					
۳ اگر فرزندانم از من نافرمانی کند، به این معنی است که من فردی بی‌ارزش هستم.					
۴ اینکه فرزندانم از من نافرمانی کند غیرقابل تحمل است.					
۵ وقتی فرزندانم از من نافرمانی می‌کند، فرزندانم را بد، بی‌ارزش و قابل سرزنش می‌پندارم.					
۶ من کاملاً باید یک والد خوب باشم.					
۷ فکر می‌کنم والد بدی بودن وحشتناک است.					

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	سؤالات	
					اگر به‌عنوان پدر و مادر رفتار خوبی نداشته باشم، فرد بی‌ارزشی خواهم بود.	۸
					تصور اینکه والد بدی باشم غیرقابل تحمل است.	۹
					اگر پدر و مادر خوبی نباشم فکر می‌کنم فرزندانم بد، بی‌ارزش و قابل سرزنش هستند.	۱۰

پرسش‌نامه عملکرد تأملی والدین

در این بخش تعدادی عبارت مربوط به شما و کودکتان لیست شده است. هر عبارت را بخوانید و میزان موافقت یا مخالفت خود را علامت بزنید. پاسخ‌ها به‌صورت طیف ۷ درجه‌ای است، اگر کاملاً موافقت عدد ۷، اگر کاملاً مخالف عدد ۱ و اگر خنثی یا مردد هستید نقطه وسط، یعنی عدد ۴، را علامت بزنید.

کاملاً موافق						کاملاً مخالف	سؤالات
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱. فقط زمانی مطمئن‌ام کودکم مرا دوست دارد که او به من لبخند می‌زند.
							۲. من همیشه می‌دانم کودک‌ام چه می‌خواهد.
							۳. من دوست دارم به دلایل رفتار و احساس کودکم فکر کنم.
							۴. کودکم در حضور غریبه‌ها گریه می‌کند تا من را شرمند کند.
							۵. من می‌توانم به‌طور کامل ذهن کودکم را بخوانم.
							۶. من در مورد آنچه کودکم فکر و احساس می‌کند خیلی کنجکاوام.
							۷. برایم خیلی سخت است که بازی‌های خیالی کودکم را درک کنم و در آن مشارکت فعال داشته باشم.
							۸. من همیشه می‌توانم پیش‌بینی کنم که کودکم چه کاری انجام خواهد داد.

کاملاً موافق	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	کاملاً مخالف	سؤالات
									۹. من اغلب کنجکاو و بدانم کودکم چه احساسی دارد.
									۱۰. کودک من گاهی بخاطر این بیمار می شود که من را از انجام کارهایم باز دارد.
									۱۱. گاهی اوقات ممکن است تعبیر درستی از واکنش های کودکم نداشته باشم.
									۱۲. من تلاش می کنم تا موقعیتها را از زاویه نگاه کودکم ببینم.
									۱۳. شلوغ کردن کودکم فقط برای این است که من را اذیت کند.
									۱۴. من همیشه دلیل رفتاری که با کودکم دارم را می دانم.
									۱۵. من سعی می کنم دلایل بد رفتاری کودکم را بفهمم.
									۱۶. اغلب، رفتار کودکم آنقدر گیج کننده است که درک آن برایم سخت می شود.
									۱۷. من همیشه دلیل رفتار کودکم را می دانم.
									۱۸. من باور دارم تلاش برای حدس زدن احساس کودکم فایده ای ندارد.

پرسش نامه دلبستگی بزرگسال

در زیر عباراتی نوشته شده است. لطفاً هر عبارت را به دقت بخوانید و مشخص کنید که این عبارات تا چه حد شما را توصیف می کند. اولین پاسخی که به ذهنتان می رسد را انتخاب کنید. برای هر عبارت پنج پاسخ وجود دارد و شما باید پاسخ مورد نظرتان را در یکی از خانه های زیر علامت بزنید.

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	۱. ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است.
					۲. مشکل به خودم اجازه می دهم که به دیگران وابسته باشم.
					۳. در روابطم اغلب نگرانم که طرف مقابل واقعا دوستم نداشته باشد.

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
					۱. ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است.
					۴. آن قدر که من دوست دارم به دیگران نزدیک شوم، دیگران به اندازه من تمایل به این ارتباط ندارند.
					۵. دوست دارم به دیگران متکی باشم.
					۶. از این که کسی به من نزدیک شود ناراحت نمی‌شوم.
					۷. فکر می‌کنم وقتی به دیگران احتیاج دارم هیچگاه در دسترس نیستند.
					۸. از این که به مردم نزدیک باشم راحت نیستم.
					۹. در روابطم اغلب نگرانم که طرف مقابلم نخواهد ارتباطش را با من ادامه دهد.
					۱۰. وقتی احساساتم را به دیگران نشان می‌دهم، می‌ترسم که آن‌ها همان احساس را درباره من نداشته باشند.
					۱۱. در ارتباطاتم اغلب از خود می‌پرسم آیا طرف مقابل واقعا به من توجه دارد؟
					۱۲. به راحتی می‌توانم با دیگران روابط دوستانه نزدیک برقرار کنم.
					۱۳. وقتی کسی خیلی با من صمیمی می‌شود، عصبی می‌شوم.
					۱۴. می‌دانم وقتی که به دیگران نیاز داشته باشم، آن‌ها در دسترس خواهند بود.
					۱۵. دلم می‌خواهد به مردم نزدیک شوم، اما می‌ترسم به من صدمه بزنند.
					۱۶. فکر می‌کنم که مشکل است که آدم به دیگران کاملاً اعتماد کند.

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	۱. ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است.
					۱۷. اغلب مردم می‌خواهند با من صمیمی‌تر از آن حدی بشوند که من احساس راحتی می‌کنم.
					۱۸. مطمئن نیستم که بتوانم به افرادی تکیه کنم که به هنگام نیاز در دسترس باشند.

چک‌لیست تنظیم هیجانی کودک

والدین گرامی؛ لطفاً به حالات هیجانی یا رفتاری زیر که فرزندان نشان می‌دهد، هر چند وقت یک‌بار که اتفاق می‌افتد، نمره دهید. برای هر عبارت چهار پاسخ وجود دارد، لطفاً پاسخ موردنظرتان را در یکی از خانه‌های زیر علامت بزنید.

ردیف	کودک من ...	هرگز	گاهی اوقات	اغلب	همیشه
۱	کودکی شاد و بشاش است.				
۲	نوسانات خلقی گسترده‌ای را نشان می‌دهد (برای مثال، پیش‌بینی کردن حالت هیجانی کودک دشوار است؛ زیرا او به سرعت از حالت‌های هیجانی خیلی مثبت به خیلی منفی تغییر می‌کند).				
۳	به پیشنهاد‌های دوستانه یا خنثی از سوی بزرگسالان به طور مثبتی پاسخ می‌دهد.				
۴	به خوبی از فعالیتی به فعالیت دیگر انتقال می‌یابد (برای مثال، هنگام تغییر فعالیتی به فعالیت دیگر، مضطرب، عصبانی، آشفته یا بیش از حد هیجان زده نمی‌شود).				
۵	به سرعت می‌تواند از دوره‌هایی از ناراحتی یا پریشانی بهبودی یابد (به طور مثال، بعد از حوادث زجردهنده از لحاظ هیجانی لب‌و لوجه آویزان یا اخمو باقی نمی‌ماند).				

ردیف	کودک من ...	هرگز	گاهی اوقات	اغلب	همیشه
۶	به آسانی ناکام می‌شود.				
۷	به پیشنهادهای دوستانه یا خنثی از سوی همسالان به طور مثبتی پاسخ می‌دهد.				
۸	به آسانی قشقرق راه می‌اندازد.				
۹	قادر است لذت را به تأخیر بیندازد.				
۱۰	از زجر دیگران لذت می‌برد (برای مثال، زمانی که فرد دیگری صدمه می‌بیند یا مجازات می‌شود، می‌خندد؛ از اذیت کردن دیگران لذت می‌برد).				
۱۱	می‌تواند در موقعیت‌های هیجان برانگیز، هیجان‌های خود را تعدیل کند (مثلاً در موقعیت‌های بازی‌های پرانرژی از خود بی‌خود نمی‌شود یا در محیط‌های نامناسب، بیش از حد هیجان زده نمی‌شود).				
۱۲	در ارتباط با بزرگسالان، یا به آنها می‌چسبد یا دائم به آنها نق می‌زند.				
۱۳	آماده است که انرژی و حرارت درونی‌اش به صورت مختل‌کننده‌ای آزاد شود.				
۱۴	با عصبانیت نسبت به محدودیت‌های ایجادشده از سوی بزرگسالان پاسخ می‌دهد.				
۱۵	وقتی احساس غم، عصبانیت یا دیوانگی، ترس یا وحشت می‌کند، می‌تواند بگوید.				
۱۶	غمگین و بی‌اعتنا به نظر می‌رسد.				
۱۷	زمانی که سعی دارد با دیگران در بازی مشارکت کند، بیش از حد سرزنده است.				
۱۸	عواطف یکنواختی را نشان می‌دهد (ابراز احساسات او با سکوت و ابهام همراه است و به نظر می‌رسد که به لحاظ عاطفی، سرد و غیر صمیمی است).				

ردیف	کودک من ...	هرگز	گاهی اوقات	اغلب	همیشه
۱۹	به طور منفی به پیشنهادهای دوستانه یا خنثی از سوی همسالان پاسخ می‌دهد (برای مثال، با لحن صدای عصبانی صحبت می‌کند؛ یا با عصبانیت و به طور پرخاشگرانه پاسخ می‌دهد).				
۲۰	تکانشی است (مثلاً عجول است، در حرف دیگران می‌پرد، به دشواری می‌تواند در صف منتظر بماند...).				
۲۱	برخوردش نسبت به دیگران همدلانه است؛ زمانی که دیگران ناراحت یا پریشان می‌شوند، نگرانی یا غمگینی نشان می‌دهد.				
۲۲	جنب‌وجوشی نشان می‌دهد که دیگران آن را مزاحم یا مخرب می‌یابند.				
۲۳	در پاسخ به اعمال خصمانه، پرخاشگرانه یا مزاحم، هیجان‌های منفی متناسب (برای مثال، خشم، ترس، ناکامی، آشفتگی) نشان می‌دهد.				
۲۴	زمانی که سعی در مشارکت در بازی با دیگران دارد، هیجان‌ات منفی نشان می‌دهد.				
